

## جشن نوروز در هند

سید محمد یونس جعفری\*

جشن نوروز در هند از چه زمانی آغاز شد؟ شاید این آغاز مربوط به آن روزی باشد که یکی از تیره‌های آریانزادان در حدود پنج یا سه هزار سال پیش از میلاد مسیح پس از جنگ بین افراد طوایف هم نژاد و یا به سبب جستجوی مناطق گرمسیری، از زادگاه خود به مناطق این طرف دنیا سرازیر شدند و از روز اول تاکنون تمام آداب و سننی را که همراه خود آورده بودند، حفظ کرده‌اند. ولی باز هم پس از گذشت زمان، تحت تأثیر شرایط جوی و جغرافیایی، در آنها نیز تغییراتی داده‌اند. چنانکه می‌دانیم، ایرانیان آخرین چهارشنبه هر سال را جشن می‌گیرند و آتش روشن می‌کنند و اعلام می‌نمایند که فصل زمستان را می‌سوزانند و پس از چند روز به مناسبت فرارسیدن سال جدید، جشن دیگری می‌گیرند که آن را نوروز می‌نامند. هندوها پس از پایان فصل زمستان در اوایل ماه مارس جشنی می‌گیرند که در آن جشن، سرکوپه یا در میدان و چهار راه آتش روشن می‌کنند و آن را «هولی»<sup>۱</sup> می‌نامند؛ مردم استان پنجاب نیز تقریباً دو هفته پیش از

---

\*- بازنشسته دانشیار فارسی ذاکر حسین کالج، دهلی.



آن، یعنی در اواسط ماه فوریه به همین صورت جشنی برپا می‌کنند. در آن روز بچه‌های ده دوازده ساله، چه دختر و چه پسر، در حضور عابریین به مناسبت جشن، ترانه می‌خوانند و عیدی می‌گیرند و آن را «لهری»<sup>۱</sup> می‌نامند، و با پولی که از عیدی جمع می‌شود، شیرینی می‌خرند و آن را میان دوستان و خویشاوندان پخش می‌کنند. تقریباً شش ماه بعد از آن، در آغاز فصل پاییز، جشنی شبیه نوروز می‌گیرند و به جای هفت سین در مقابل مجسمه زن خدای ثروت، لکشمی<sup>۲</sup>، شیرینی می‌گذارند و تمام شب به این امید بیدار می‌مانند که شاید آن زن خدا به خانه‌شان سری بزند و آنها از وی پذیرایی کنند. بعضی‌ها برای به دست آوردن ثروت، از قمار نیز دریغ نمی‌ورزند.

وقتی که ترکان ماوراءالنهری از خراسان بزرگ وارد شبه قاره هند شدند، فرهنگ اصیل خود را به همراه خویش آوردند. از سروده‌های سخن‌سرایانی که در دوره غزنوی (۵۸۲-۳۶۶ هـ) می‌زیسته‌اند، چنین برمی‌آید که در روزگار سلاطین غزنوی جشن نوروز برپا می‌کردند؛ چنانکه ابوالفرج رونی (م: ۴۹۲ هـ) در بیت زیر می‌گوید:

جشن فرخنده فروردین است روز بازار گل و نسرين است

و همچنين مسعود سعد سلمان (م: ۵۱۵ هـ) می‌گوید:

روز نوروز و ماه فروردین آمدند ای عجب ز خلدبرین

ظهیرالدین بابر (۹۳۷-۸۸۸ هـ) مؤسس سلسله تیموریان در هند، چه در حضر بود و چه در سفر، جشن نوروز می‌گرفت؛ چنانکه در سال ۹۱۰ هجری وقتی که وی در دره گومل<sup>۳</sup> بود، جشن نوروز و عیدالفطر در یک روز اتفاق افتاد و بدان مناسبت وی ابیات زیر را به زبانی ترکی سرود:

---

۱- لهری (Lohri) به ضم اوّل و رای کامی.

2- LaKShMI.

3- GOMaL.

یانکی<sup>۱</sup> آی یار یوزی بیرله کوروب ایل شاد بیرم لار  
منکا یوز و قاشینکدین ایرو بیرم آبیذا غم لار  
یوزی نوروزی وصلی عیدینی بابر غنیمت توت  
که موندین یخشی بولماس بولسه یوز نوروز و بیرم لار  
که آن را عبدالرحیم خانخانان، یکی از امرای جلال‌الدین اکبر (نوه و جانشین  
ظهیرالدین بابر در هند) به زبان فارسی چنین ترجمه کرد:  
ماه نو را بروی یار هر دم شادی و عیده‌هاست (کذا)  
مرا از رو و ابروی او در ماه عید غمه‌هاست  
نوروز روی او و عید وصل او را غنیمت بدان  
که از این بهتر نمی‌شود اگر شود صد نوروز و عیده‌هاست  
عید نوروز برای بابر اهمیت خاصی داشت و می‌توان گفت وی این جشن و  
همچنین روز چهارشنبه را به عنوان فالی نیک می‌گرفت؛ چنانکه در وقایع سال ۹۳۴  
هجری درباره این مطلب چنین می‌نویسد:  
”... سال گذشته روزشنبه، روز نوروز، از (قصبه) سیکری به عزیمت جنگ  
سنگا<sup>۲</sup> کوچ کرده یاغی را زیر کردیم. امسال روز چهارشنبه، روز نوروز،  
به عزیمت این دشمنان (بین، بایزید و معروف) کوچ نمودیم. اگر روز یکشنبه  
ظفریابیم از غرایب واقعات است“<sup>۳</sup>.  
نصیرالدین محمد همایون (۹۶۳-۹۱۳ هـ) در شهر آگره به سلطنت رسید و در سال  
۹۴۷ هجری برای دومین بار از دست شیرشاه افغان (۹۵۲-۹۴۸ هـ) شکست خورد و در  
سال ۹۵۱ هجری به ایران پناهنده شد و مورد پذیرایی گرم و شایان شاه طهماسب

۱- بابرنامه - وقایع، مطبعه شوکادو فی مدینه کیوتو، سنة ۱۹۹۵ م، ص ۲۳۱.

۲- یکی از فرمانروایان هند.

۳- وقایع بابری، فتوکپی نسخه خطی موزه بریتانیا، شماره ۴۱۶، ۲۴، برگ ۱۲۹.

صفوی (۹۸۴-۹۳۰ ه) قرار گرفت و بعد از پانزده سال دوباره در سال ۹۶۶ هجری به هند حمله کرده تخت سلطنت ارثی خود را گرفت. این پیروزی همایون در واقع پیروزی فرهنگ ایرانیان در هند بود و پس از تصرف و فتح همایون بر منطقه شمال کشور هند، چند تن از ایرانیان تا به درجه امارت و وزارت هم رسیدند و پادشاهان مغول هند و همچنین شاهزادگان عالی نسب، دخترانشان را به رشته ازدواج درآوردند، چنانکه نورالدین، ملقب به جهانگیر (۱۰۳۷-۱۰۲۴ ه) پس از رسیدن به تخت سلطنت با مهرالنسا، دختر خواجه غیاث‌الدین اعتمادالدوله تهرانی، در سال ۱۰۱۹ هجری ازدواج کرد. وی اول از شوهرش لقب نورمحل و پس از آن نورجهان یافت. شاهجهان (۱۰۶۸-۱۰۳۷ ه) فرزند نورالدین جهانگیر در ایام شاهزادگی با ارجمند بانو، دختر یمین‌الدوله ابوالحسن (پسر خواجه غیاث‌الدین اعتمادالدوله)، در سال ۱۰۲۴ ازدواج کرد و پسرش اورنگ‌زیب، ملقب به عالمگیر (۱۱۱۸-۱۰۶۸ ه) با دلرس بانو، دختر شاهنواز صفوی، در سال ۱۰۴۶ هجری ازدواج کرد و این پیوند زناشویی امرای ایرانی با سران مغول، باعث شد که بسیاری از آداب و سنن ایرانیان آگاهانه و ناآگاهانه، از جمله جشن نوروز، در فرهنگ تیموریان هند رسوخ پیدا کرد. در اینجا این نکته را نیز باید توضیح داد که وقتی دختر شاهنواز صفوی با اورنگ‌زیب ازدواج کرد، تمام مراسم ایرانیان برگزار شد. چنانکه این مطلب را محمد صالح کنبوه<sup>۱</sup> در کتاب عمل صالح چنین می‌نویسد:

”بنابراین مراتب، به تاریخ شب دوشنبه بیست و نهم اردیبهشت ماه مطابق با بیست و دوم شهر ذی‌الحجه سنه یکهزار و چهل و شش هجری که هنگام اقامت رسم حنابندی بود، از منزل خان نجابت نشان شاهنواز خان، حنا و لوازم

۱- عمل صالح الموسوم به «شاهجهان‌نامه» چاپ مجلس ترقی ادب لاهور، ۱۹۷۶ م، ج ۲، ص ۲۰۲.

آن بساز و آیینی که سزاوار این دودمان خورشید مکانت آسمان مکان و درخور سلسله صفویه باشد، آوردند...

نه تنها شاهان سلسله تیموریان هند، چه در سفر و چه در حضر، جشن نوروز را برپا می‌داشتند، بلکه شاهزادگان نیز این مراسم را برگزار می‌کردند. چنانکه از اقتباس زیر محمد صالح کنبوه برمی‌آید: «به تاریخ دوازدهم ربیع‌الاول سال هزار و بیست و شش هجری مسندگزين طارم چارم تشریف تحویل شریف بر نشاط‌کده معهود خود ارزانی داشته مربع‌نشین اورنگ چهارپایه خویش گردید. حسب‌الامر (شاهزاده خرم ملقب به) شاه بلنداقبال کارپردازان امور سلطنت فضای دولتخانه برهانپور<sup>۱</sup> را به انواع تزیین، زیب و زینت دادند و به آذین جشن نوروزی کیانی عرصه (تالار) خاص و عام را در دیبای خسروانی مفروش نمودند»<sup>۲</sup>.

اگرچه «... شاهجهان، ثانی صاحبقران، بیست و پنجم بهمن‌ماه الهی، مطابق هفتم جمادی‌الثانی سنه هزار و سی و هفت هجری در روز سعادت افروز دوشنبه... کلاه سروری را که جوهر انجم در ترصیع او به کار رفته بود، همسری بخشیده و قبای خسروی را که اطلس سپهر والا استر او گشته بود، تن بهم آغوشی داده... پای سعادت پیرای بر سریر سپهر نظیر گذاشت»<sup>۳</sup>. ولی جشن جلوس بر تخت سلطنت در ایام نوروز گرفت. چنانکه کنبوه می‌نویسد:

«سرمایه ده انوار ذرات کاینات و پیرایه بخش حیات اموات عالم نبات نه گهری و سی و شش دقیقه از روز دوشنبه سیزدهم رجب سنه هزار و سی و هفت هجری سپری گشته، تشریف تحویل اشرف از کاشانه حوت به طربخانه حمل

۱- شهری است در جنوب هند.

۲- عمل صالح، ج ۱، ص ۸۵

۳- همان، ج ۱، ص ۸-۱۸۷.

مبذول داشته، به جهت ادای مراسم شادی و مبارکباد سال اول جلوس اقدس خود به نفس نفیس همّت بر اهتمام آذین جشنِ نوروزی گماشت<sup>۱</sup>. همچنین چون شاهجهان پایتخت خود را از آگره به شاهجهان‌آباد (دهلی کنونی) انتقال داد، بدان مناسبت جشنی در ایام نوروز گرفت. درباره آن کنبوه چنین می‌نویسد: ”چون بعد از اتمام دارالخلافت شاهجهان‌آباد، به سال ۱۰۵۹ هجری و نزول اشرف اقدس در آن مکان سعادت نشان، نخستین نوروز جهان افروز نوید خرّمی به گوش جهانیان رسانیده، مشاطه بهار رسوم غازه‌کاری عذار لاله و گل را تازه کرد و باد نوروزی آبی به روی عالم خاک آورده، در احیای اموات معجزه‌های عیسوی آشکارا نمود. رأی عالم آرای برای نفع‌رسانی خلائق اقتضای جشنی عظیم و بزمی نو آیین نموده، متصدیان مهمّات دولت را به جهت تهیّه مواد سور و سرور مأمور ساخت“<sup>۲</sup>.

اگرچه تا زمان شاهجهان، جشنِ نوروز هر سال در دربارِ فرمانروایان تیموریان هند به همین روال برگزار می‌گردید که در ایران و بالخصوص در اصفهان مرسوم و متداول بود؛ ولی وقتی که ستاره بخت و اقبال وی و یا دولت تیموریان هند از اوج به افول گرایید، این بساط عیش و طرب نیز برچیده شد.

پسر او، اورنگ‌زیب، مرد متدینی بود و از زمان اکبر شاه از طرف بعضی از مسلمین پایبند به شریعت غرای اسلام، این صدا بلند بود که چون جشنِ نوروز مربوط به مجوسیان است، بنابراین مسلمین نباید آن را برگزار کنند. چون این عقیده طبق خط‌مشی اورنگ‌زیب بود؛ لذا او برای گرفتن این جشن امتناع نمود.

---

۱- عمل صالح، ج ۱، ص ۵-۲۳۴.

۲- همان، ج ۳، ص ۸۲.

اورنگ‌زیب اگرچه اولین مرتبه در روز جمعه غره ذیقعه سال ۱۰۶۸ بر تخت سلطنت نشست؛ ولی به علت درگیر بودن با برادرانش، در تاریخ ۲۴ ماه مبارک رمضان سال ۱۰۶۹ هجری برای دومین مرتبه جلوس کرد<sup>۱</sup> و چون در ایام رمضان مراسم جشن بدینگونه نیز مناسب نبود که مسلمین پیرو مسلک تسنن بعد از افطار بیست رکعت تراویح بخوانند؛ لذا آنها را به روز عیدالفطر موکول نمود و تمام مراسمی که به مناسبت عید نوروز انجام می‌شد، در دوره سلطنت وی در روز عیدالفطر برگزار می‌گردید.

اگرچه اورنگ‌زیب از دنیا رفت و دولت تیموریان هند انقراض یافت و بساط استعمارگران انگلیسی برچیده شد؛ ولی مسلمانان شهر دهلی تاکنون مراسم عیدالفطر را همان طور برگزار می‌کنند که در ایران تا امروز مرسوم است.

اورنگ‌زیب پس از گرفتن تخت سلطنت، بیشتر وقت خود را در جنوب هند برای فرونشاندن شورش و طغیانهای فرمانروایان آن منطقه گذراند. چون وی تقریباً پنجاه سال دور از پایتخت بود، در شمال هند به خصوص در استان پنجاب سیکها قدرت گرفتند. پس از وفات وی از یک طرف جانشینانش برای گرفتن تخت سلطنت به جان یکدیگر افتادند و از طرف دیگر استعمارگران اروپایی مانند پرتغالیها و انگلیسیها و فرانسویها مشغول تشکیل مستعمرات خود بودند و سرانجام انگلیسیها بر همه غالب شدند.

روزی بود و روزگاری که تیموریان هند برای گرفتن بلخ و بدخشان لشکرها فرستادند؛ ولی جانشینان ایشان پیش انگلیسها چنان زبون شدند که به حالت جیره‌خواری افتادند. باوجود محرومیتها و محدودیتهای سیاسی، تمام جشنها و همچنین جشن نوروز را همیشه سر وقت می‌گرفتند؛ چنانکه از گزارشهایی که درباره شهر دهلی و قلعه سرخ شاهجهان‌آباد به زبان فارسی نوشته شده است، در اینجا ذکر می‌شود:

---

۱- مطلبی انبالوی، صادق: آداب عالمگیری، به تصحیح و تهذیب عبدالغفور چودھری، اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور، چاپ اول سال ۱۹۷۱ م، ج ۲، ص ۳۳-۱۰۳۰ و ۱۱-۱۱۰۶.



### خلاصه اخبار اطرافها - معروضه بیست و سیوم فروری<sup>۱</sup> سنه ۱۸۲۵ م.

دیروز اکبر پادشاه<sup>۲</sup>... کاغذ بابت نوروز مرسله بخشی محمود رسید. دریافت شد که به تاریخ سیام رجب رسمیات نوروز و به روز یکم (شعبان) نذر بگیرند و سواری نوروز مرغ (خروس) و رنگ عباسی است؛ از این جهت بارش بسیار و بیماری زیاده‌تر خواهد شد. مگر بنا بر پادشاه سال نیک است.

### خلاصه اخبار اطرافها - معروضه یکم مارچ<sup>۳</sup> سنه ۱۸۲۵ م.

دیروز اکبر شاه پادشاه... اودت نراین مصر<sup>۴</sup> تقویم نوروز گذرانیده، عرض کرده که به تاریخ بیست و نهم رجب، رسمیات نوروز (اکبر شاه) فرمایند و نوروز به سواری مرغ است و گل لاله به دست دارد. از این جهت بیماری لقوه و فالج و سردرد بسیار خواهد شد. بعد از آن شاکر و کریم قلی تقویم نوروز گذرانید.

### خلاصه اخبار اطرافها - معروضه چهاردهم مارچ سنه ۱۸۲۵ م.

دیروز اکبر شاه پادشاه رونق‌پذیر بودند... گتری<sup>۵</sup> (بقچه) پارچه‌ای به رنگ نوروز مرسله راجه سوهن<sup>۶</sup> لعل به نظر گذشت. بعد ملاحظه سپرد او نمودند و فرمودند که پوشاک برای مرشدزاده‌ها (خویشاوندان پادشاه) تیار (آماده) بکنند... به عرض رسید که متصلی حکیم رکن‌الدین معه کاغذ نوروز و کوت قاسم حاضر است. ارشاد شد که به سوهن لعل فهمانده دهد.

۱- فوریه (February).

۲- ابوالنصر معین‌الدین محمد اکبر شاه (دوم) فرمانروای دهلی از سال ۱۱۷۳ الی ۱۲۵۳ هجری.

۳- مارس (March).

4- UdaT NaRAYeN MeShRa.

5- GathrI.

6- SOhaN.



### خلاصه اخبار اطرافها - معروضه بیست و یکم مارچ سنه ۱۸۲۵ م.

اکبر پادشاه رونق‌پذیر بودند... وقت سه‌پهر (ساعت ۱۵) پارچه‌ها به رنگ نوروز به بیگمات و مرشدزاده‌ها تقسیم نموده به سرداران حکم شد که فردا صبح به تقریب نوروز آمده، حاضر شوند و اطلاع نوروز به جناب صاحب کلان بهادر نموده بیاید. بعد وقت «یک‌گه‌ری»<sup>۱</sup> شب مانده بیدار شده، پوشاک به رنگ سرخ بر بدن آراسته نیاز مشکل‌گشا علی<sup>(ع)</sup> نموده، رسمیات نوروز ساخته، معه مرشدزاده‌ها وقت صبح به دیوان خاص تشریف آورده، در این عرصه جناب صاحب<sup>۲</sup> کلان بهادر رونق‌پذیر بودند. بعد گذشتن نذر ولیعهد یکصد و یک اشرفی از طرف نواب گورنر بهادر (فرماندار انگلیسی) و بیست و یک اشرفی از طرف خود به حضور و پنج اشرفی به ولیعهد و دو اشرفی به بیگم صاحب‌گذرانیده، پادشاه دستار سربسته معه طره مقیشی به جناب صاحب کلان بهادر داده، بعدها همه به قدر مراتب خود نذرها گذرانیده، دریافت شد که سکه صد و چهل و دو اشرفی و دو صد روپیه درنذر آمدند.

### وقایع دربار اکبر شاه ثانی - معروضه ۹ مارس سال ۱۸۳۰ م.

... پرستیمنا منجم تقویم نوروز گذرانیده، دریافت شد که نوروز سواری پلنگ و رنگ سرخ و گل لاله مایل به سیاهی و گل گلاب (گل محمدی) و (گل) چمپا در هر دو دست دارد. باران بسیار و نرخ غله ارزان و بیماری زیاده خواهد شد و سلامتی جان خواهد ماند و به تاریخ بیست و چهارم رمضان وقت شب رسمیات نوروز به عمل آمد و به تاریخ بیست و پنجم صبحی نذر خواهد گذشت.

۱- واحد وقت برابر ۲۴ دقیقه.

۲- در هند واژه «صاحب» برای آقا و ارباب و «صاحب» برای خانم به کار می‌برند.



### وقایع دربار اکبر شاه ثانی - معروضه ۱۶ مارس سال ۱۸۳۰ م.

... دیبایهای پارچه پوشاک مرسله (شاهزاده) میرزا سلیم بخت رسیدند. بعد ملاحظه پوشاک خاص بابت نوروز کلو خیط را طلبیده، سه قطع گردانده دادند.

### وقایع دربار اکبر شاه ثانی - معروضه ۲۴ مارس ۱۸۳۰ م.

امیر شاه پادشاه رونق‌پذیر بودند... یک دستار معه طره و گوشواره و دوپته<sup>۱</sup> و کورته (کرته)... بابت نوروز به (شاهزاده) میرزا سلیمان شکوه و بابر بخت و ولیعهد و به همه بیگمات تقسیم فرموده، وقت شب آرام نموده، صبحی بعد از ادای نماز و وظیفه تبدیل پوشاک کرد و رقومات جواهر بر بدن مبارک آراسته از مرشدزاده‌ها... باری داشته و رسمیات معمولی نوروز... کرده، بر دسترخوان نیاز حضرت مشکل‌گشا داده، تبرک تقسیم فرموده، برآمد شده، به دیوان خاص تشریف آورده، رونق‌بخش شدند. همه سرداران و طامس متکف<sup>۲</sup> صاحب، جکسان<sup>۳</sup> صاحب و بعد از او مرشدزاده‌ها و ولیعهد بخت و بابر بخت و سلیم بخت و تیمور شاه یک اشرفی و طامس متکف صاحب بهادر یکصد و بیست و یک اشرفی به حضور و پنج اشرفی به ولیعهد بخت و دو اشرفی به بیگم صاحب داد. برن<sup>۴</sup> صاحب قلعدار دو اشرفی به حضور و یک یک اشرفی به میرزا ولیعهد بخت و بیگم صاحب و دیگر سرداران سلطنت یک یک اشرفی و چهار چهار و پنج پنج روپیه و وکیل بیگم شمرو (همسر هندی یکی از اشراف اروپایی) نه اشرفی به حضور و دو دو به بیگم صاحبه و ولیعهد... گذرانید. از حضور سرسبد معه گوشواره و طره به موجب دستور به مستر طامس متکف صاحب بهادر و طره گلها و بیضه مرغ به دیگران حسب دستور مرحمت شد.

۱- دوپته (DoPatta) شال گردن.

2- ThOMaS Metcalf.

3- Jackson.

4- Born.

وقتی که انگلیسی‌ها در هند قدرت گرفتند و تمام امور اداری پایتخت شاهجهان‌آباد و همچنین شهر دهلی به دست آنها افتاده، اعلام تعطیلات رسمی نمودند، که از میان تعطیلات یکی تعطیل عید نوروز بود.

وقتی که مراسم نوروز برگزار می‌گردید و فرزندی متولد می‌شد، معمولاً اسم او را نوروز می‌گذاشتند. چنانکه از گزارش زیر برمی‌آید:

### خلاصه اخبار اطرافها - معروضداشته ۲۷ ماه مئی ۱۸۳۰ م.

... وقتی دختری به نام نوروز بایی پا به جوانی گذاشت و چون ولیعهد (معروف به میرزا ولیعهد بخت بهادر) به تخت سلطنت دهلی رسید و لقب سراج‌الدین بهادر شاه اختیار نمود، به تاریخ ۲۷ ماه مه سال ۱۸۳۰ میلادی با دختری که اسمش نوروز بایی بود، عقده مناکحت بست.

دادا بایی نوروچی<sup>۱</sup> از مبارزان هند محسوب می‌شود. وی یکی از زرتشتیان هند بود و چون روزی متولد شده که مراسم نوروز در خانه‌اش برقرار بود، لذا والدینش اسم او را نوروچی گذاشتند. چون در اکثر زبانهای هند (غیر از زبان اردو) حرف «ز» را «ج» تلفظ می‌کنند، بنابراین وی به اسم دادابایی نوروچی معروف است.

در آخر این نکته را نیز باید اضافه نمود که نه تنها برای صفویها در ایران، بلکه برای حکمرانان بابری هند نیز دوره فرمانروایی ساسانیان و همچنین پیشینانشان عصر طلایی محسوب می‌شد. چنانکه از واژه‌هایی مانند جشن نوروچی کیانی و قباي خسروی که در فوق گذشت و همچنین اسامی مثل اورنگ‌زیب و داراشکوه و القاب شاهان، مثل شاهجهان و جهانگیر و القاب امرا مانند فریدونفر و جمجاه و غیرهم برمی‌آید و آنها سعی می‌نمودند که مراسم درباری خود را مثل آداب و سنن ساسانیان تشکیل دهند و تزیین کنند.

---

1- DADa BhAI NOROJi.

حالا هر سال در تاریخ ششم فروردین، شیعیان بدین مناسبت که حضرت محمد مصطفی، ولایت علی علیه السلام را اعلام نمودند و کاسبان مسلک تسنن بدین سبب که رسول خدا (ص) در روز آخرین چهارشنبه ماه ربیع‌الاول از بیماری صحت یافته بدن مبارک خود را شستند، میان دوستان شیرینی پخش می‌کنند و کارگران از صاحب کارخانه‌ها عیدی و شیرینی می‌گیرند و تنها مراسم این دو روز است که نشان می‌دهد نیاکان ما چه مراسمی برگزار می‌کردند.

اگرچه پس از برجیده شدن بساط حکمنوایی تیموریان ببری در سراسر شبه قاره هند «جشن نوروز» از رونق افتاده، ولی باز هم در مناطق سردسیری مثل کشمیر و در نواحی آن مردم مراسم این جشن را با شادی و خرّمی برگزار می‌کنند؛ چنانکه از ابیات زیر تحت عنوان «جشن نوروز» برمی‌آید:

شکفته شد گل و دنیا شده گلستان‌ها	چمن بود ز خدا و همه جهان چو بستان‌ها
جهان شده همه جا سبز و روز نو آمد	بین که عید محبت شده دبستان‌ها
ادیب و شاعر و دانا به جشن نوروزی	کتاب و شعر و ادب شاعر شبستان‌ها
در این زمان که بود عید و مردمان خوشدل	به نی‌نوازی و نغمه همه نیستان‌ها
نوی عشق من آمد چو بلبان شیدا	مثال نعمه نوروزی بهارستان‌ها
همیشه یاد تو باشد مرا به دل شب و روز	کمال روح خدایی و لطف دستان‌ها
سزد که جام وفا و ندای نوشا نوش	به کام جان برسانم در این زمستان‌ها
عزیز درگه بینا دلان دل خسته	هماره جلوه‌گر آمد چو شاه استان‌ها
دلم هماره به یاد تو می‌تپد جانم	صفای من که تویی یادگار مستان‌ها
امید من شده دیدار روی تو هر دم	خروش جان من آمد ز تاکستان‌ها

«سمن» که بوی محبت رساندت هر جا  
وفای او چو بهار و گل و شکفته بوستان‌ها

۱- شعر به عنوان «جشن نوروز» از سمن عزیز. (مجله دانش، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، شماره ۷۷-۷۶، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۲۱۶).

## منابع

۱. بابر شاه، ظهیرالدین محمد: بابرنامه - وقایع، مطبعه شوکادو فی مدینه کیوتو، ۱۹۹۵ م.
۲. بابر شاه، ظهیرالدین محمد: وقایع بابری، ترجمه از نواب عبدالرحیم خانخانان، فتوکپی نسخه خطی موزه بریتانیا، شماره ۲۴،۴۱۶.
۳. صالح کنبوه لاهوری، محمد صالح: عمل صالح الموسوم به «شاهجهان نامه»، به تصحیح غلام یزدانی، مجلس ترقی ادب، لاهور، ۱۹۷۶ م، ج ۲.
۴. مطلبی انبالوی، صادق: آداب عالمگیری، به تصحیح و تہذیب عبدالغفور چودھری، اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور، چاپ اول ۱۹۷۱ م، ج ۲.

\*\*\*